



۱۱ زندانی در شعله های آتش زندادان کامپلس در نزدیکی فرودگاه آمستردام جانباختند. براستی چه کسی مسئول است

با فرهنگ ناموس پرستی باید مقابله کرد!

از ناهید ریاضی فعال حقوق زن
nahid@breddalsparken.dk



اولین ساعات بامداد روز پنجشنبه ۲۷ اکتبر ۲۰۰۵ زندان "کامپلس" در نزدیکی فرودگاه آمستردام هلند بدلائل نامعلوم دچار آتش سوزی شده و ۱۱ پناهجو و زندانی در آن جانباختند و دهها نفر زخمی شدند! این زندان در نزدیکی فرودگاه آمستردام قرار گرفته است و از آن برای زندانی کردن "مجرمین" و "قاچاقچیان مواد مخدر" استفاده میشود و بخشی از آن را به پناهجویان دیپورتی اختصاص داده اند که در حین آتش سوزی ۴۵ پناهجوی بازداشتی جهت دیپورت به انسانی کشورهای ← ۴

بدمست نزدیکترین افراد خانواده و کسانی که فرد مقتول می بایست طبیعتا بیشترین اعتماد و احساس اطمینان را در کنار آنها داشته باشد، يك فاجعه است. اما متأسفانه طبق آمار هر سال حدود ۵۰۰۰ قتل ناموسی در دنیا اتفاق می افتد که شماری از آن در کشورهای غربی و در خانواده های مذهب زده و متأثر از فرهنگ متحجر اسلامی بوقوع می پیوندد. اینکه حتی در کشورهای غربی، جایی که حقوق زنان و کودکان نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر تا حدودی رعایت شده و توسط قانون تضمین شده است، ما شاهد رخ دادن قتل‌های ناموسی، ازدواجهای اجباری، ختنه کودکان و بسیاری دیگر از جنایات ← ۲

ازدواج قرار می دهند. اما خانواده غزاله بشدت با این تصمیم مخالفت کرده و او و عمل را تهدید به مرگ می کنند. بعد از آنکه این دو جوان هیچ راهی برای جلب رضایت خانواده نمی بینند تصمیم می گیرند که به شهر دیگری در دانمارک فرار کرده و در آنجا با یکدیگر ازدواج کنند. تنها ۲۴ ساعت از ازدواج غزاله و عمل نگذشته بود که ترس و وحشت آنها از مرگ، به واقعیت پیوست. در يك حمله بیرحمانه، برادر ۲۰ ساله غزاله، غزاله جان خود را در دم از دست داد و عمل بشدت زخمی شد. اکنون پدر و عمو و عمه غزاله نیز به جرم همکاری و برنامه ریزی قتل غزاله و عمل، دستگیر شده اند. قتل ناموسی و کشتن انسانها مهم

در روز ۲۳ سپتامبر قتل ناموسی دیگری در دانمارک رخ داد. غزاله ۱۹ ساله به جرم فرار از خانه و ازدواج با مردی که او دوستش داشت، توسط برادرش با چند گلوله کشته شد و همسر جوانش نیز که مورد حمله قرار گرفته بود زخمی شد. از ازدواج غزاله و همسرش عمل، تنها يك روز گذشته بود. غزاله که از کودکی برای آنکه با فرهنگ سنتی و مذهبی تربیت شود و تحت تاثیر فرهنگ غربی قرار نگیرد، به همراه مادر و خواهر بزرگترش به پاکستان فرستاده شده بود، در یکی از سفرهایش به دانمارک با عمل آشنا میشود. این دو جوان که سخت یکدیگر را دوست داشتند، بعد از مدتی خانواده غزاله را در جریان تصمیمشان برای

ابراز نگرانی موسس سازمان آزادی زنان عراق از منزوی شدن نیروهای سکولار در عراق

فرار از جنگ و ناامنی و ماندن پشت مرزهای اردن پناهجویان موسوم به کمپ التاش نیاز به حمایت دارند!



از رادیو فردا

ابراز نگرانی موسس سازمان آزادی زنان عراق از منزوی شدن نیروهای سکولار

در کنفرانس بین المللی زنان در بانکوک، روز دوشنبه یینار محمد، موسس سازمان آزادی زنان عراق از منزوی شدن نیروهای سکولار در عراق ابراز نگرانی کرد و گفت که جنبش زنان عراق از هیچ حمایتی برخوردار نیست. یینار محمد، سردبیر نشریه مساوات، همچنین گفت قانون اساسی عراق مردم را به مذهب، جنسیت و قومیت تقسیم بندی کرده است. وی ضمن تاکید بر ضرورت تقویت جنبش دمکراتیک زنان عراق، رشد بنیادگرایی در کشورهای اسلامی و افراطی گری در عراق را نگران

سعید یگانه

این پناهندگان با حملات تروریستها جان خود را از دست داده اند. این پناهجویان در مرز اردن وضعیت ناامن و اسفباری دارند. در دشت کویری، زیر چادر و با نازلترین امکانات زیستی و درمانی زندگی می کنند. این پناهجویان بارها مورد آزار و آزار مامورین مرزی اردنی قرار گرفته اند. یکی از پناهجویان در مصاحبه با رادیو فردا می گوید، «ما از عراق آمدم در مرز اردن و عراق تا بتوانیم جان سالم به در ببریم، اما متأسفانه ← ۴

جنگ و حملات تروریستی جان سالم بدر برده و به مرز اردن پناه آورده اند. طبق اخباری که در دست است با

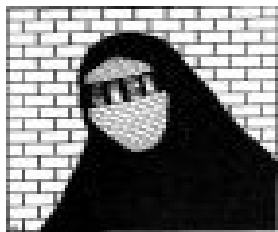


حمله آمریکا به عراق و شروع جنگ تا به حال بیشتر از ۲۰ تن از

از فوریه امسال بیشتر از دویست نفر از پناهندگان ایرانی موسوم به کمپ التاش رومادیه عراق بر اثر جنگ و ناامنی به مرز اردن پناه آورده اند تا در این کشور تحت حمایت یونان قرار گیرند. با گذشت نزدیک به یکسال نه یونان در عراق به مشکلات آنها رسیدگی می کند و نه دولت اردن اجازه ورود پناهجویان به داخل این کشور را می دهد و از آنها هیچ حمایتی به عمل نمی آید و کسی خود را در مقابل سونوشت آنها مسئول نمی داند. اینها پناهجویانی هستند که از

یینار محمد

کننده خواند. خانم یینار گفت: آنها به ما گفتند ما تنها می توانیم مذهبی باشیم و به ملیت خود فکر کنیم. آنها می خواهند ما را به سمتی سوق دهند که فکر کنیم تنها باید يك عرب ناسیونالیست و یا يك مسلمان باشیم و به برابری و آزادی و همبستگی جهانی فکر نکنیم، و آنگونه منزوی شویم که فکر کنیم سراسر جهان خارج شیطان است.



اگر کسی از این عمل زشت که در حق این دختر روا داشته شده بمیره من او را ملامت نمیکنم و کسانی که اینکار را کرده بودند را مورد تنبیه قرار داده بود. ولی حالایی؟ آیا اینها واقعا مسلمان هستند و یا دین فروش و با لوی دین و مذهب هر بلایی را سر ما زنان و جوانان می آورند و هیچکس هم نیست که به آنها بگه بالای چشمتون ابروست!! خلاصه سرتون رو درد نیارم، بعد از چند روز که منو بازداشت کردن و کلی تحقیر و توهین و ناسزا که همگی لایق خودتون بود را نشارم کردن بالاخره با پیگیری پدر و مادرم که با پول دادن به یکی از سربازها محل منو به پدر و مادرم گفته بود که منو کدام کلاتری بردند، جلو آن محل پدر و مادرم بست نشسته و دست به افشاگری و داد و فریاد زدند و گفتند اگر دستتون به دخترمون بخوره ما میدانیم و شما که اونها هم ترسیدن و نتونستن بلایی سرم بیارن و بالاخره با تعهد و ... که نباید به نظام حرفی بزنم و ← ۴

بلا چنین کارهایی با مردم بکنن! خلاصه مادرم فریاد میزد و لش کنبد اون که کاری نکرده و... رئیس اونها گفت خفه آگه تو هم حرف بزنی تو رو هم میبریم! مادرم گفت آره منو هم ببرید من بدون دخترم به خونه بر نمیگردم، ولی رئیس قصی القلب اونها مامانم رو روی زمین هل داد و مینتی بوس حرکت کرد. در بین راه مدام به من حرفهای زشت میزدن و من از نگاههای کشیف اونها در امان نبودم تا اینکه پسر جوانی را هم با زور و کتک توی مینی بوس انداختن، پسر کمی جلوی موهاش بلند بود، همانجا، قسمت جلو موهای اونو چیچی کردن و او رو به باد کتک گرفته بودن. شاید باور نکنید ولی دست منو و اونو باهم یک دست بند زدند! آخه آگه اونها واقعا مسلمان بودن و حلال و حرام سرشون میشد آیا اینکار را میکردن! ولی پسر به من گفت خانم ناراحت نشو اینها میخوان تو رو خورد کنن ولی تو باید مقاومت کنی و به روی خودت نیار من مثل برادر تو هستم. اینو که گفت کمی آرام شدم و هر دوی ما نسبت به هم احساس همدردی داشتیم. پدرم میگفت که: وقتی که در جنگهای زمان حضرت علی، خلخال و زیوری را از پای دختر غیر مسلمان باز کرده بودند، و حضرت علی اینرو شنیده بود گفته بود که

ولی مزدوران او را هم هل دادن و گفتن خفه شو زنیکه تو هم مثل دختر عوضی ات هستی و مادر بیچاره ام که شوکه شده بود روی زمین افتاده بود و فقط التماس میکرد و از مردم کمک میخواست و میگفت منو بزنید این دختر را کاری نداشته باشید و... ولی اونها توجهی نمیکردن و مثل حیوانات وحشی روی من افتاده بودند و با باتوم و مشت منو میزدن، مردم با دیدن این صحنه و مظلومیت ما دو تا به اعتراض برخاستند و اونها را هو کردن و گفتند و لشون کنید آخه کجای دنیا پلیسی که باید حامی ضعیفها باشه اینطوری به دو تا زن بی دفاع حمله میکنه و اونها رو کتک میزنه و... ولی اونها تیر هوایی شلیک کردن تا مردم رو بترسونن. بعد هم که دیدن اوضاع بر ضد آنهاست سریع منو انداختن توی مینی بوس و گفتن در کلاتری رو حالت رو جا می آریم، عوضی به نظام فحش میدی آره تازه فهمیدم که مزدوری که متلک گفته بود و من هم به او گفته بودم خفه شو رفته گفته من به نظام فحش دادم، البته نظام هم از این مزدوران از خدایخبر جدا نیست بالاخره همین حاکمیت این حیوانات وحشی رو به جان ما زنان و جوانان انداخته خودشون که نمیتونن بدون مجوز از

سمت خانه، پیاده حرکت کردیم، تا در بین راه وسیله ای پیدا کنیم و به خانه برگردیم. من جلوتر از مادرم حرکت میکردم، هر دوی ما مانتو گشاد و بلند و روسری مناسب طوری که حتی یک تار موی مان هم بیرون نباشد به سر داشتیم، مادرم همیشه میگه نباید به این کثافتها آتو داد، چون ما فعلا در مملکتی زندگی میکنیم که هر بلایی که بخواهند میتونن سر زنانها بیاروند و کسی هم نیست که به داد ما برسه. پس بهتره که حداقل جلوی این مزدورها طوری باشیم که نتوانند به ما گیر بدنند. خلاصه پای پیاده داشتیم حرکت میکردیم که ناگهان یک لباس لجنی جلو آمد و به من یک متلک زشت پراند، من هم که تحمل این حرفها رو هیچوقت نداشته و ندارم، به او گفتم "خفه شو کثافت، مگه تو مادر و خواهر نداری!!" مزدور کثیف نگاه ناپاکی کرد و گفت الان حالت رو جا می آریم خوشگله! و رفت سراغ رئیسش که توی ماشین نشسته بود، نفهمیدم چی به او گفت که او هم با باتوم شروع کرد به کتک زدن من. از اون بدتر فحشهایی میداد که نه تنها من بلکه مادرم هم میگفت تا بحال این نوع فحشهای کثیف را شنیده بوده! مادرم که اصلا نمیدونست چی شده وحشت زده فریاد زد و لش کنید مگه این دختر بیچاره چکار کرده و...

نامه ای از ایران

بر گرفته

از سایت ایران تریبون

شیرین - م: طغیان مقدس است. با سلام به همه دوستان عزیزم و با آرزوی مقاومت و سرافرازی برای آزادگانی که فریاد بی صدای زنان دردمند میهنم را به هر نحوی که میتوانند در سراسر دنیا ظنین انداز میکنند یکی از دوستان که به تازگی از زندان آزاد شده، علت دستگیری و بازداشت خودش را برامان نوشته که به ضمیمه ارسال میکنم تا تاریخ، آنرا بخاطر بسپارد و دنیا بداند که در ایران کنونی، چگونه انسانها و بطور خاص زنان و جوانان له و لورده شده و شخصیت و عواطف آنان به بازی گرفته میشود. ولی مقاومت همچنان ادامه دارد و اساسا این فشارها به دلیل بودن مقاومت زنان و جوانان است و الا اگر سکوت و تسلیم در میهن ما حاکم بود، دیگر ایجاد رعب و وحشت به وسیله کارگزاران نظام، دلیلی نداشت. بنابراین بار دیگر با صدای بلند میگویم که: ما مقاومت میکنیم پس هستیم!

پیروز باشید - مهری امیری

هفته قبل با مادرم برای خرید رفته بودم بیرون، در خیابان انقلاب بعد از خرید، چون تاکسی پیدا نکردیم به

از صفحه ۱ قتل‌های ناموسی

و اجحافات در همین جوامع هستیم. یکی از دلایل اصلی اینست که در کشورهای غربی انسانها را بر اساس تعلق مذهبی و قومیتشان دسته بندی کرده اند و یک عده را مسلمان و یک عده را مسیحی، یک عده را خودی و یک عده را غریبه تعریف کرده اند.

بر همین اساس حق و حقوق هم تقسیم بندی شده است، و علی رغم آنکه همه در مقابل قانون برابرند و ظاهرا همه از حق و حقوقهای تعریف شده در جامعه برخوردارند، عملا زنان، جوانان و کودکان از خانواده های مذهب زده و سنتی از این حق و حقوق محرومند.

جامعه نیز با بی تفاوتی از کنار آنچه که بر سر این دسته از شهروندان جامعه می آید به بهانه آنکه «این فرهنگ خودشان است، مذهب خودشان است و باید به آن احترام گذاشت و دخالتی نکرد، می گذرد». اما نه فقط این، بلکه با همین تئوری و توجیهات بساط دخالت مذهبی در زندگی شهروندان

مهاجرتبار و مسجد و آخوند و مدارس مذهبی و کلاسهای قرآن در دل همین جوامع، که ظاهرا برای حقوق کودکان و زنان ارزش قائل است، برپاست. هر کسی که کمی با وضعیت کشورهای که آخوند و

مذهب و مسجد در زندگی مردم دخالت می کنند و قانونگذاری می کنند آشنا باشد، بخوبی می داند که نتیجه این دخالتگریها چیست و وضعیت زنان و کودکان و شهروندان جامعه به چه شکلی در می آید.

اما ما امروز شاهد دخالت دادن ضد زن ترین و مرتجعترین نیروها در زندگی مهاجرین هستیم.

در همین کشور دانمارک، که محل زندگی من است، بدلیل وجود مذهب رسمی، مدارس مذهبی از جمله مدارس اسلامی تاسیس می شود و هر ساله تعداد زیادی از کودکان با فرهنگ زن ستیزی و ناموس پرستی که اساسا از دید اسلام به زن نشات می گیرد، توسط آخوندها تربیت می شوند.

در مدارس دولتی نیز باز به نام احترام به فرهنگ دیگران والدین

متعصب و مذهب زده حق دارند که کودکانشان را از حق آموزش جنسی، ورزش، شرکت در تورهای دسته جمعی و فعالیتهای دیگر محروم می کنند.

کودکانی که در دانمارک بدنیا آمده اند توسط خانواده به کشورهای محل تولد والدینشان فرستاده می شوند تا با فرهنگ غربی آشنا نشوند و یاد نگیرند که چگونه از حق و حقوق خودشان دفاع کنند.

همه این اجحافات به نام احترام به مهاجرین اجازه پیدا می کند.

اما در واقع چیزی که اتفاق می افتد، سلب حق کودکان و نوجوانان از بهره برداری از یک آموزش غیر مذهبی و بر اساس پیشرفته ترین روشهای پداگوژیکی و آموزشی و در محیطی شاد و آزاد است. اینها از جمله دلایل وجود پدیده هایی همچون قتل‌های ناموسی در جوامع غربی است.

بر طبق همان سیاست و بینشی که دولتها و مطبوعات غربی نسبت به شهروندان مهاجرتبار دارند، اینبار هم که قتل ناموسی دیگری در

بگیرند. سیاست و تاکتیک آنها اینست که به خیال خودشان تروریسم اسلامی را کنترل کنند.

نتیجه این سیاست نه تنها پرورش هرچه بیشتر تروریستهای اسلامی در محیطهای اسلامی است بلکه با

جلو انداختن و امتیاز دادن به دم و دستگاه مذهب و اسلامیون زندگی بر زنان و کودکانی که در محیطهای اسلام زده و سنتی بسر می برند،

تنگتر و هر گونه حق و حقوق و آزادی از آنها سلب می شود. جدایی کامل دم و دستگاه مذهب از سیستم آموزشی، سیاست و دولت، کوتاه کردن دست امام و مسجد و اسلام از سر شهروندان مهاجر بخصوص زنان و کودکان و جوانان، مقابله با

سیاست مماشات دولت با نیروهای اسلامی و تلاش برای یک جامعه کاملا سکولار، از جمله پیش شرطهای مبارزه با فرهنگ زن ستیز و قتل‌های ناموسی و انتگراسیون مهاجرین در جامعه است. این

خواستها مرتبا از طرف ما در جامعه طرح شده است.

سند شماره ۲۳۶۰ صادره از پارلمان هلند در رابطه با دیپورت پناهجویان ایرانی

بر گرفته از سایت خانه پناهجو
متن هلندی این سند در سایت مربوطه قابل دسترسی است
جهت اطلاع پناهجویان در هلند

سوالات اعضای پارلمان هلند، آقای "کلاس د فریس" عضو حزب سوسیال دموکرات و خانم "فان خنخ" عضو حزب سبزهای چپ هلند، از خانم ریستا فردونک وزیر امور بیگانگان و انتیگراسیون در باره پروژه آزمایشی مربوط به ایران معروف به پروژه "پایلوت ایران". این سئوالات در تاریخ ۱۶ آگوست ۲۰۰۵ به وزیر مربوطه ارسال شده است.

۱- محتوای پروژه "پایلوت ایران" چیست؟ دادگاه دنهاخ که در سوم آگوست در شهر ماستریخت برگزار شده؛ حکم دادگاه مربوطه به چه معنایی است؟
۲- آیا این موضوع حقیقت دارد که در چهارچوب پروژه "پایلوت ایران" کسانی که فاقد لسه پاسه و یا پاسپورت هستند به ایران برگردانده می شوند؟ آیا این امر حقیقت دارد که در مبادی ورودی ایران معلوم می شود که مقامات مسئول ایرانی پناهجوی برگردانده شده را می پذیرند یا نه؟
۳- چرا شما تاکنون پارلمان هلند را از این شیوه اخراج مطلع نکرده اید؟
۴- آیا مطلع هستید که احکام دادگاه به این نوع شیوه کار، برای زندانی کردن بیگانگان، مبنای حقوقی ارائه نمی دهد؟ بنا بر این آیا باید زندانی کردن و اخراج ایرانیانی که فاقد پاسپورت معتبر یا لسه پاسه هستند فوراً متوقف گردد؟
۵- کسانی که در چهارچوب پروژه "پایلوت ایران" به کشورشان

برگردانیده می شوند چه تضمینهایی برای امنیت شان وجود دارد؟
۶- در چند موارد تا کنون با استفاده از این روش پناهجویان ایرانی را به کشورشان باز گردانیده اید، و در چند مورد پناهجویان مذکور توسط مقامات مرزی ایرانی، پذیرفته نشده و به هلند بازگردانده شده اند؟ آیا شما این شیوه کار را در مورد اخراج پناهجویان سایر کشورها بکار می گیرید؟
۷- نظرتان پیرامون ادعا هایی که بنام شما در دادگاه اظهار شده را چگونه ارزیابی می کنید؟ ادعاهایی مبنی بر این موضوع: پناهجویانی را که تحت اسکورت پلیس هلند به ایران باز گردانیده می شوند در لحظه ورود به ایران، توسط مقامات مسئول ایرانی تعیین می شود که آیا این اشخاص اجازه ورود به خاک ایران را دارند یا خیر؟ آیا این عمل، منطبق با سیاستی است که اخراج اجباری به ایران را مجاز نمی شمارد؟
جواب وزیر امور بیگانگان و انتیگراسیون در تاریخ ششم سپتامبر ۲۰۰۵
۱- در کادر پروژه "پایلوت ایران" ایرانیانی که مدارک اصلی و یا کپی دارند بدون واسطه سفارت ایران، به کشورشان برگردانده می شوند. ما این راه حل را بدین جهت انتخاب کرده ایم که سفارت ایران برای کسانی که نمی خواهند داوطلبانه به کشورشان برگردند لسه پاسه صادر

نمی کند. در ضمن مسئولین سفارت ایران معتقد هستند که اخراج پناهجویان ایرانی وظیفه دولت هلند است. پروژه "پایلوت ایران" را ما از ماه فوریه سال ۲۰۰۱ شروع کرده ایم.
۲- همانطوریکه در بند اول ذکر شد در چهارچوب پروژه "پایلوت ایران" کسانی که حتی لسه پاسه ندارند، به ایران بازگردانده می شوند. علیرغم اینکه پناهجوی برگردانده شده چه مدارکی دارد یا نه، اجازه ورود به کشور را همانند سایر کشورها مسئولین مرزی ایران تعیین می کنند، این کنترل مرزی برای کسانی که پاسپورت معتبر مسافرت می کنند وجود دارد و همینطور است در باره کسانی که لسه پاسه یا مدارک دیگر مسافرت می کنند.
۳- پروژه "پایلوت ایران" به چگونگی پروسه اخراج پناهجویان ایرانی مربوط می شود و بمعنی تغییر در سیاست پناهندگی هلند نیست. برای کسانی که اقامتشان در هلند غیر قانونی است و نمی خواهند داوطلبانه به کشور مطبوعشان برگردند، "پایلوت ایران" محتوای عملی سیاست ما را نشان می دهد. این سیاست ما اخراج پناهجویان پرونده بسته توسط شما اعضای پارلمان تصویب شده است. با توجه به اینکه سیاست من به جنبه اجرایی کارموضوع اخراج مربوط می شود، من تا کنون دلیلی ندیده ام که در این زمینه شما اعضای پارلمان را مطلع کنم.

۴- حکم دادگاهی که شما اشاره می کنید بنظر من بدین معنی نیست که پروسه عملی ما در مورد اخراج ایرانیان مبنای حقوقی نداشته است. در دادگاه مورد اشاره شما دادستان دولت نتوانسته بود اطاعات کافی در باره پروژه "پایلوت ایران" به قاضی ارائه کند. دادگاه به دلیل اینکه اطاعات کافی نداشت نمی توانست چشم انداز عملی اخراج را بررسی کند. من همچنان معتقدم اگر به دادگاه در مورد پروژه "پایلوت ایران" به اندازه کافی اطاعات بدهیم، چشم انداز عملی اخراج نیز برای دادگاه به اندازه کافی روشن خواهد شد. اداره تابعیت و مهاجرت همچنین متعهد شده از این به بعد در چنین مواردی که پیش خواهد آمد اطاعات کافی به دادگاه ارائه کند. علاوه بر این من لازم می دانم به حکم دادگاه لئو واردن به تاریخ دوم آگوست ۲۰۰۵ اشاره کنم. دادگاه معتقد است که پروژه "پایلوت ایران" به اندازه کافی چشم انداز اخراج را روشن می کند. من این حکم را به ضمیمه این نامه برای شما ارسال می کنم.
با توجه به اطاعات فوق من هیچ دلیلی نمی بینم که شیوه کار خود را عوض کنم.
۵- پروژه "پایلوت ایران" را، ما بطور منطقی در مورد پناهجویان ایرانی که قابل اخراج هستند، اجرا می کنیم. از اول پروسه پناهندگی به پناهجویانی که جواب منفی دریافت می کنند اعلام می شود که اخراج

به ایران عملی است مسئولانه. پروسه پناهندگی در این زمینه به اندازه کافی تضمین می دهد. هیچ دلیلی وجود ندارد که ما را قانع کند بخاطر نوع مدرک شناسایی امنیتی پناهجویانی که به ایران بر می گردند به خطر بیافتد.
۶- از فوریه ۲۰۰۱ که ما این پروژه پایلوت ایران را شروع کرده ایم، در مجموع پنجاه نفر را به ایران اخراج کرده ایم. از این عده تنها دو نفر به هلند برگردانده شده اند. چهل و هشت نفر توسط نگهبانان مرزی ایران پذیرفته شده اند. در ایران هم درست مانند تمامی کشورهای دیگر، نگهبانان مرزی هستند که تصمیم می گیرند، چه کسی اجازه ورود به خاک ایران را دارند. ما روش پایلوت ایران را در مورد هیچ کشور دیگر بکار نمی بریم.
۷- سیاست عملی من این نیست که اخراج اجباری به ایران غیر ممکن است. این که سفارت ایران در هلند به افرادی که داوطلبانه به کشورشان باز نمی گردند؛ لیسه پاس نمی دهند، به این معنی است که تنها در چند مورد مشخص اخراج عملی به ایران با مشکل مواجه شده است. با توجه به اینکه اخراج اجباری پناهجویان پرونده بسته به ایران در چهارچوب سیاست بیگانگان ماست، من معتقدم در مورد پرونده ای که شما بمیان کشیده اید، هیچ حکم خارج از چهارچوب مقبول سیاست ما ارائه نشده است.

حق پناهندگی حق هر زن فراری از جهنم اسلامیست! از حق پناهندگی فاطمه توکلی دفاع کنیم!

فاطمه توکلی که از ۱۸ ژوئن ۲۰۰۱ از دفتر UN آنکارا درخواست پناهندگی کرده است در اعتراض به حکم ردی این دفتر در

مورد پرونده اش در دهم اکتبر در "بله ژیک" در اطراف "اسکی شهیر" اقدام به خودکشی کرده است. گوشه هایی از زندگی فاطمه توکلی که در سایت پیک ایران مختصراً درج شده است، وضعیت اسفبار این زن ۴۴ ساله را بوضوح بیان میکند. فاطمه توکلی از اوایل قیام ۵۷ به سازمان چریکهای فدایی گرویده و فعالیتهای سیاسی را با این جریان آغاز و بعد از شناسایی سه بار دستگیر و زندانی شده است. جمهوری اسلامی تعدادی از بستگان او را از جمله برادرش در در سال ۱۳۶۷ اعدام کرده است. فاطمه توکل بعنوان یک فعال سیاسی و یک زندانی سیاسی قدیمی و بعنوان

زنی که نمیخواهد در زیر سایه حکومت آپارتاید جنسی زندگی بکند و جانوران اسلامی حاکم مجالی برای زندگی برایش باقی نگذاشته اند باید از حق پناهندگی برخوردار باشد. تاخیر در دادن پاسخ مثبت به فاطمه توکلی و صدها پناهجوی ایرانی دیگر دلالت از لاقیدی و بیگانه بودن "دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگی" نسبت به سرنوشت فراریان جهنم اسلامیست. باید به این اوضاع ناهنجار پایان داد. کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان باید به وظیفه خود عمل بکند و حق پناهندگی فاطمه توکلی را به که بر همگان

محرز میباید به ایشان اعلام بکنند. سازمان سراسری ضمن ابراز همدردی با فاطمه توکلی حمایت قاطع خود را از ایشان اعلام میداریم و از تمامی نهادهای انساندوست میخواهیم که با ارسال نامه های اعتراضی به دفتر UN آنکارا خواهان برسمیت شناختن حق پناهندگی فاطمه توکلی بشوند. در همینجا از همه پناهجویان ایرانی میخواهیم که بجای بخطر انداختن جان خود و آزار رساندن به جسم خود با مبارزه متحدانه به UN و نهادهای بین المللی فشار بیاورند تا به حقوق انسانی آنان احترام بگذارند. مشخصات خانم توکلی: Fatemeh Tavakkoly

شماره کیس: T-1385
دبیرخانه سازمان سراسری
پناهندگان ایرانی
۲۱ اکتبر ۲۰۰۵

به سازمان
سراسری
پناهندگان
ایرانی بپیوندید



نا امیدی های می لیا

بر گرفته از روزنامه جنوب آلمان

یک پناهنده اهل مالی پشت سیم های خاردار یکی از اردوگاه های پناهندگی اسپانیا او در انتظار جواب پناهندگی اش از اداره پناهندگی اسپانیا است که چگونه برای سرنوشت او تصمیم میگیرند.

امنیستی انترناشنال، اسپانیا و مراکش را به خاطر فاجعه دراماتیک پناهندگی و نقض حقوق بشر در می لیا و کویت و استقرار پناهندگان در مراکش است، محکوم کرد. یک هیئت از طرف امنستی اظهار کرد که پلیس اسپانیا و مراکش به شیوه غیر قانونی و وحشیانه علیه پناهندگان

آفریقائی که از طریق مراکش به اسپانیا می خواستند بروند خشونت بکار برده اند. در این رابطه پلیس حتی اقدام به برخورد مسلحانه کرده است و زخمی ها را بدون مداوای پزشکی رها کرده اند. در مراکش صدها پناهنده آفریقائی را در بیابانها رها کرده اند.



قابل توجه
دوستان عزیزمان در ایران

سازمان همجنسگرایان ایرانی در نظر دارد یک نمایشگاه عکس با موضوع وضعیت گی ها، لزبین ها، بایسکشوال ها و ترانسجنسرها در کانادا برگزار نماید.

از علاقمندان به همکاری در خواست می شود که برای اطلاعات بیشتر با ایمیل (payam@pglo.org) تماس بگیرند.



سازمان همجنسگرایان ایرانی
Persian Gay & Lesbian Organization

از صفحه ۱ هلند

اروپایی علیه این فراریان بوده است. فاجعه انسانی سوختن ۱۱ زندانی در زندانهای با دروازه های محکم و تماما اتوماتیک زندان "کامپلس" بحق وجدان هر انسان شریفی را بدرد میآورد. و بحق بخش عمده این جامعه علیرغم سکوت مرگبار رسانه و به کجراه کشاندن افکار مردم انگشت اتهام را به سوی کاربدستان دولت هلند نشانده میگیرند و دولت هلند را مسبب این فاجعه و مسئول عواقب آن میدانند. سازمان سراسری پناهندگان ایرانی ضمن ابراز تاسف عمیق بمناسبت

این فاجعه انسانی و احساس همدردی با بستگان قربانیان، انزجار خود از نسبت به سیاست خصمانه دولت هلند و سایر دول اروپایی نسبت به پناهیجویان، ابراز میدارد و خواهان تحقیق بیطرفانه محاکمه و مجازات مقامات مسئول در سطوح مختلف میباشد.

مردم آزاده، احزاب و سازمانها و نهادهای مترقی و انساندوست! نباید در کنار اینچنین فجایع انسانی بسادگی گذشت. شما در مقابل جان و امنیت آحاد این جامعه مسئول هستید و باید با حساسیت به آن برخورد بکنید. همراه با ما خواهان:

از صفحه ۲ نامه

... منو آزاد کردن. از اون به بعد فهمیدم که از قضا باید هر جا که میتونم دست به افشاگری بر علیه این همه ظلم و نابرابری بزنم و سکوت و تسلیم یعنی مرگ و نیستی. پس من راهم را انتخاب کردم و مبارزه و افشاگری را بجای سکون و بی عملی و ترس برگزیدم. میدانم پسری که با من دستگیر شده بود نیز همین تصمیم را خواهد گرفت.

شیرین- م

* محکوم کردن دولت هلند بعنوان سیاست گذار و مجری سیاست بغایت خصمانه اش علیه پناهیجویان و مسئول فاجعه انسانی زندان "کامپلس" و محاکمه و مجازات مقامات بلند پایه آن بشوید.

* خواهان لغو دیپورت و آزادی کلیه پناهیجویان زندانی بشوید.

* خواهان برسمیت شناخته شدن حق پناهندگی برای کلیه متقاضیان پناهندگی بشوید.

دبیرخانه سازمان سراسری پناهندگان ایرانی
۲۹ اکتبر ۲۰۰۵

بی مرز را تکثیر و پخش کنید

از سایتهای زیر دیدن کنید
www.hekmatist.com
www.rahai-zan.com
www.iran-telegraf.com
www.javanx.com
www.iran-tribune.com

محکوم هستند که در کنار والدینشان و با اجبار این زندگی غیر انسانی را تجربه کنند و شب و روز با این مشکلات دست و پنجه نرم کنند.

پناهیجویان موسوم به کمپ التاش نیاز به کمک و حمایت دارند. باید تلاش کرد که از هر امکانی ولو کوچک برای نجات این انسانها بکار گرفت و آنها را از این وضعیت غیر انسانی نجات کرد.

از صفحه ۱ التاش

تاکنون هیچ کس از ما استقبال نکرده، نه حکومت اردن و نه سازمان پناهندگی و حتی مورد ضرب و شتم نیروهای اردنی هم قرار گرفتیم و چند تن زخمی شدند و از کوچکترین حقوق انسانی بر خوردار نیستیم.

و عارف بابجانی مسئول کمیته حمایت از این پناهیجویان گفته که طی چند روز گذشته مرزداران اردن آنها را مورد ضرب و شتم قرار داده

که در نتیجه سه تن از زنان حامله سقط جنین کرده و نوزادان خود را از دست داده اند.

اینها تصویر کوچکی از مصائب و مشکلاتی است که این پناهیجویان با آن روبرو هستند. سالها زندگی در کمپ التاش رومادیه با حداقل امکاناتی که یوان در اختیار آنها گذاشته و زندگی با ترس و ناامنی در کشور جنگ زده عراق گوشه دیگری از زندگی سپری شده این پناهیجویان است. ده ها کودک این پناهندگان

دبیر: سعید آرمان

Saeed arman2002@yahoo.co.uk

تلفن:

۰۰۴۴۷۷۹۱۰۸۹۴۸۷

مسؤل امور مالی

لادن داور

معاونین دبیر

مینو همبلی

minoo_homaili@yahoo.com

تلفن و فاکس

۰۰۱۴۱۶۲۰۱۴۳۱۶

سعید کرامت

keramat@symptico.com

تلفن: ۰۰۱۴۱۶۶۹۴۹۶۹۵

همکار سر دبیر:

اسماعیل خضری

smko1917@web.de

مشاور سیاسی دبیر

نریا شهابی

Soraya_shahabi@yahoo.com

واحدهای کشوری و شهری

ترکیه: محمد محمدی

تلفن: ۰۰۹۰۵۵۵۲۰۵۴۳۰۱

mohammadi1917@yahoo.com

فنلاند: اسماعیل ویسی

تلفن: ۰۰۳۵۸۵۰۳۵۷۳۵۶۴

Esmail.waisi@mail.com

انگلستان: محسن ابراهیمی

تلفن: ۰۰۴۴۷۸۲۴۴۱۷۷۳۲

mohsen1244@hotmail.com

نروژ: غفار غلام ویسی

Ghfar@chello.no

کانادا: مینو همبلی

Minoo_homaili@yahoo.com

سوئد: دبیر بهنام ارانی

روابط عمومی: پر شنگ بهرامی

behnamarani@yahoo.se

استکهلم: حسام منتظری

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۶۵۵۸۱۷

samazad@hotmail.com

وسترس: پیدی گلچینی

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۷۱۸۳۷۲

ygolchini@yahoo.com

واحد شمال: غفور عباس نژاد

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۷۷۹۸۰۵۱

۰۰۴۶۶۳۷۰۵۰۷۸۹

ifrboden@hotmail.com

لینشوینگ: حبیب الله مرادی

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۵۶۵۱۵۷

habibmoradi@hotmail.com

یوتوبوری: حسین مرادی

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۵۰۷۲۵۰۴

۰۰۴۶۷۳۹۶۵۵۸۱۷

Hussein-moradi2001@yahoo.se

آلمان: دبیر لادن داور

Ladann_d@yahoo.com

کلن: مسعود قهرمانی

Masoud_arash2003@yahoo.de

هامبورگ: فرهاد وقار

تلفن: ۰۱۷۶۲۴۵۵۴۶۸۴

حق پناهندگی برای همه